

سال تحصیلی:

تألیف: نعمت اله مقصودی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

با توجه به لزوم تغییر و به‌روزرسانی منابع آموزشی در نظام آموزش و پرورش و به منظور تسهیل آموزش زبان عربی در مقطع متوسطه و کاربردی نمودن آن، گروه تألیف کتاب درسی عربی به تدوین کتابی جدید اقدام کرد که بتواند با محوریت مهارت‌های زبانی و تمرکز بیشتر بر روی فهم متون عربی و مکالمه آن، دانش‌آموزان پایه متوسطه اول و دوم را در راه رسیدن به این هدف یاری رساند.

مؤلف این سطور نیز در این نوشتار سعی دارد تا با توجه به همین اهداف و با بیانی ساده و قابل فهم برای دانش‌آموز، موضوعات مطرح شده در کتاب عربی یازدهم را به دانش‌آموزان عزیز ارائه دهد.

در این نوشتار قصد داریم به دو حوزه گرامر و واژه‌آموزی در متن بپردازیم. بنابراین در هر درس، ابتدا واژه‌های مهم آن درس شرح می‌دهیم و نکات مربوط به هر یک در جدولی که در ابتدای هر درس قرار داده شده، می‌آوریم. سپس به گرامر مربوطه خواهیم پرداخت؛ زیرا بر این باوریم که این قواعد در مرحله ترجمه جملات به کار گرفته می‌شوند. در پایان نیز «خلاصه یا چکیده» ای از مطالب ارائه شده را بیان کرده و پس از آن، در قالب «اختبار نفسک: خودآزمایی» میزان و کیفیت آموخته‌های دانش‌آموز سنجیده می‌شود.

در پایان، امیدوارم که این جزوه نیز مورد توجه و استفاده دانش‌آموزان و همه علاقه‌مندان به فراگیری زبان عربی قرار گیرد.

نعمت اله مقصودی

دکتری زبان و ادبیات عربی

مای دارس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

الدرس الأول: من آیات الأخلاق: از نشانه‌های اخلاق

شرح المفردات (توضیح کلمات)

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
لا یَسْخَرُ	فعل - ثلاثی مجرد	نباید مسخره کنند
عسی	فعل (غیرقابل تغییر)	شاید
أَنْ یَکُونُوا	فعل (ناقصه) ^۱	که باشند
أَنْ یَکُنَّ	فعل (ناقصه)	که باشند (سوم شخص جمع مونث)
لا تَلْمِزُوا	فعل نهی - ثلاثی مجرد	عیب‌جویی نکنید
لا تَنَابَزُوا	فعل نهی - ثلاثی مزید	به یکدیگر لقب زشت ندهید
بئس	فعل (غیرقابل تغییر)	چه بد است (فعل ذم: سرزنش)
الفسوق	اسم (مصدر)	آلودگی به گناه
لَمْ یَتُوبْ	فعل مضارع - ثلاثی مجرد	توبه نکرد (در متن درس: توبه نکند)
إثم	اسم	گناه (مترادف: ذنب، جریمه، خطیئه، جُنَاح)
لا تَجَسَّسُوا	فعل نهی - ثلاثی مزید	جاسوسی نکنید (مصدر آن: تجسُّس)
لا یَغْتَابْ	فعل نهی - ثلاثی مجرد	غیبت نکند
بعضکم	اسم (مضاف)	یکی از شما
لحم	اسم	گوشت
میت	اسم (صفت)	مرده
گَرِهْتُمْ	فعل ماضی - ثلاثی مجرد	ناپسند دانستید (در متن درس: نفرت دارید)
اتَّقُوا	فعل امر - ثلاثی مزید	از خدا پروا کنید (بترسید)
تَوَاب	اسم (مبالغه، بر وزن فَعَال)	بسیار توبه‌پذیر
قَدْ	حرف (تقلیل)	گاهی
العُجْب	اسم (مصدر)	خودپسندی (مترادف: تکبر)
خَفِيّ	اسم (صفت)	پنهان

^۱ - در درس‌های آینده با «أفعال ناقصه» و معانی آنها آشنا خواهید شد.

أن تَعَيَّبَ	فعل مضارع	که عیب جویی کنی (مضارع التزامی)
لا تُلَقِّبُوا	فعل نهي	لقب ندهید
حَرَمٌ	فعل ماضی (ثلاثی مزید)	حرام نمود
الاستهزاء	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	مسخره کردن
تسمية	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	نامیدن
فَضْحٌ	اسم (مصدر ثلاثی مجرد)	رسواسازی
كِبَائِرٌ	اسم (جمع مكسّر: كَبِيرَةٌ)	گناهان بزرگ
التواصل	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	ارتباط برقرار کردن با یکدیگر

إِعْلَمُوا

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ إِسْمُ الْمَكَانِ

۱. اسم تفضیل

«اسم تفضیل» یکی دیگر از اسم‌هایی است که از «فعل» ساخته می‌شود. این اسم با هدف مقایسه بین دو چیز و بیان مفهوم برتری یکی نسبت به دیگری به کار می‌رود. این اسم در زبان عربی بر دو وزن «أَفْعَلٌ» و «فُعْلَى» دیده می‌شود:

مانند: أَفْضَلٌ، أَعْلَمٌ، أَجْمَلٌ، أَكْبَرٌ، أَصْغَرٌ... / كُبْرَى، صُغْرَى، عُظْمَى، فَضْلَى....

اگر این اسم با حرف «من» به کار رود، معنای «صفت برتر» می‌دهد. مانند:

هو أَفْضَلُ مِنَ الْآخِرِينَ: او از دیگران برتر است.

أَنْتَ أَعْلَمُ مِنِّي: تو از من داناتر هستی.

اگر این اسم به اسمی (مفرد یا جمع) اضافه شود، معادل «صفت عالی» است. مانند:

آسیا أكبر قارة في العالم: آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

روسيا أكبر البلاد في العالم: روسیه بزرگ‌ترین کشور در جهان است.

نکته ۱: گاهی از اوقات، اسم تفضیل به «الف» یا به یک «حرف مشدّد» ختم می‌شود. مانند:

جبل دماوند أعلى جبل في إيران: کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

أحبّ الناس أنفعهم للآخرين: محبوب‌ترین مردم سودمندترینشان نسبت به دیگران است.

نکته ۲: برخی اسامی با هدف بیان رنگ نیز بر همین وزن «أَفْعَلٌ» به کار می‌روند که در این صورت اسم

تفضیل نیستند. مانند: أخضر (سبز)، أحمر (قرمز)، أزرق (آبی)....

نکته ۳: دو کلمه «خَيْر» و «شَر» در اصل بر همین وزن (أفعل: أَحْيَر - أَشْر) بوده‌اند که (همزه) آن بر اثر کثرت استعمال حذف شده است. مانند:

(تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة: یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است)
(شَرّ الناس من لا يعتقد الأمانة: بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد)

نکته ۴: مونث «أفعل» بر وزن «فُعلى» به کار می‌رود. مانند: كُبْرَى، صُغْرَى، فُضْلَى، ...

زینب الكبرى: زینب بزرگ‌تر، فاطمة الصغرى: فاطمه کوچک‌تر

اما اسم تفضیل در مقام مقایسه بین دو اسم مونث غالباً بر وزن «أفعل» مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند: زینب أكبر من فاطمة: زینب از فاطمه بزرگ‌تر است.

نکته ۵: اسم تفضیل غالباً به صورت مکسر و بر وزن «أفاعِل» جمع بسته می‌شود. مانند:

أفضل ← أفاضِل، أرذل ← أراذِل، أكبر ← أكابر، أعظم ← أعاظِم...

إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل: آن‌هنگام که فرومایگان به قدرت برسند، دانیان از بین می‌روند.

۲. اسم مکان: یکی دیگر از کلماتی است که از فعل ساخته می‌شود. این اسم در زبان عربی غالباً بر وزن «مَفْعَل» و در برخی موارد بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» است.

«مَفْعَل» ← مَطْبَخ: آشپزخانه، مَلْعَب: ورزشگاه، مَصْنَع: کارخانه، مَطْعَم: رستوران...

«مَفْعِل» ← مَنَزِل: خانه، تَحْمِيل: کجاوه، مَغْرِب: محل غروب، مَشْرِق: محل طلوع...

«مَفْعَلَة» ← مدرسة: مدرسه، مَكْتَبَة: کتابخانه، مَطْبَعَة: چاپخانه...

اسم مکان هم غالباً به صورت مکسر و بر وزن «مفاعِل» جمع بسته می‌شود. مانند:

مكتبة (مکاتب)، مطبعة (مطابع)، مدرسة (مدارس) مصنع (مصانع)، ملعب (ملاعب)...

خلاصه درس

۱. اسم تفضیل برای مقایسه دو چیز و بیان برتری یکی بر دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۲. اسم تفضیل برای مذکر بر وزن «أفعل» و برای مونث بر وزن «فُعلى» است.
۳. اسم تفضیل با حرف جر «من» معادل صفت برتر و در صورت اضافه شدن به اسم دیگر (مفرد یا جمع) به معنای صفت عالی در زبان فارسی است.
۴. اسم تفضیل در مقام مقایسه بین دو اسم مونث غالباً بر وزن «أفعل» مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۵. اسم تفضیل غالباً به صورت جمع مکسر و بر وزن «أفاعِل» به کار می‌رود.

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی تألیف: نعمت اله مقصودی سال تحصیلی:

۶. اسم مکان در زبان عربی بر یکی از سه وزن «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» است.

۷. اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می‌شود.

اختبر نفسك

عین فی العبارات التالیة اسم التفضیل و اسم المكان، ثم قُم بترجمة العبارات.

۱. عداوة العاقل خیرٌ من صداقة الجاهل.

۲. رجاءٌ، أعطني قميصاً أرخص.

۳. اشتریت سروالاً أبيض من متجرٍ صديقي.

۴. مكتبةٌ جامعة طهران أغني مكتبةً في إيران.

۵. أكلتُ الغداء في أفضل مطاعم المدينة.

مای درس

گروه آموزشی عصر

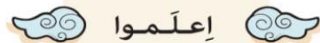
www.my-dars.ir

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی تألیف: نعمت اله مقصودی سال تحصیلی:

الدرس الثاني: صناعة التلميع في الأدب الفارسي: صنعت تلميع در ادبیات فارسی

شرح المفردات (توضیح کلمات)

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
التلميع	اسم (مصدر ثلاثي مزید باب تفعیل)	درخشان نمودن
ممزوجة	اسم مفعول ثلاثي مجرد	آمیخته
جَرَّبَ	فعل ماضی - ثلاثي مزید باب تفعیل	آزمود
مصانع	اسم مکان - جمع مکسر	آب انبارها، کارخانهها (مفرد آن: مصنع)
رَكَّبَ	اسم - جمع مکسر	سواران (مفرد آن: راكب)
تَفْتَشُ	فعل مضارع مجهول - ثلاثي مزید باب تفعیل	جستجو می شود
نَحَنَ	فعل ماضی - ثلاثي مجرد از فعل (ناح، ينوح)	نال و شیون سر دادند



اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالَغَةِ

موضوع الدرس: اسم الفاعل، واسم المفعول، واسم المبالغة

برخی از اسمها در زبان عربی از فعل ساخته می شوند و هر کدام به نوعی در ارتباط با فعل هستند. سه مورد از این اسمها عبارتند از: اسم فاعل - اسم مفعول - اسم مبالغة

۱- اسم فاعل: اسمی است که به انجام دهنده کار اشاره می کند و در زبان فارسی به صفت فاعلی شناخته می شود. صفت فاعلی عبارت است از: ریشه فعل + پسوند (نده - گر - ا). مثال:

نوشتن ← نویسنده یاری کردن ← یاریگر دانستن ← دانا

www.my-dars.ir

اسم فاعل در زبان عربی از دو نوع فعل (ثلاثی مجرد و مزید) ساخته شود:

اسم فاعل ثلاثی مجرد: بر وزن (فاعل) به کار می‌رود. مثال:

كَتَبَ ← کاتب: نویسنده نَصَرَ ← ناصر: یاریگر عَلِمَ ← عالم: دانا

اسم فاعل ثلاثی مزید: با «مُ» شروع می‌شود و یک حرف مانده به آخر ریشه فعل، کسره (ِ) می‌گیرد. مثال:

يُعَلِّمُ ← مُعَلِّم: آموزش‌دهنده اقْتَرَحَ ← مُقْتَرِح: پیشنهاددهنده يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلِّم: یادگیرنده

۲- اسم مفعول: اسمی است که به انجام‌شده کار اشاره می‌کند و در زبان فارسی به صفت مفعولی شناخته می‌شود.

صفت مفعولی عبارت است از: ریشه فعل + ه + شده. مثال:

نُوشِتِن ← نوشته شده یاری کردن ← یاری شده دانستن ← دانسته شده

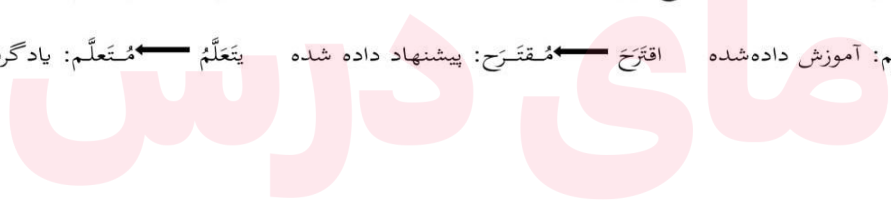
اسم مفعول هم در زبان عربی از دو نوع فعل (ثلاثی مجرد و مزید) ساخته شود:

اسم مفعول ثلاثی مجرد: بر وزن (مفعول) به کار می‌رود. مثال:

كَتَبَ ← مکتوب: نوشته شده نَصَوَ ← منصور: یاری شده عَلِمَ ← معلوم: دانسته شده

اسم مفعول ثلاثی مزید: با «مُ» شروع می‌شود و یک حرف مانده به آخر ریشه فعل، فتحه (َ) می‌گیرد. مثال:

يُعَلِّمُ ← مُعَلِّم: آموزش داده شده اقْتَرَحَ ← مُقْتَرِح: پیشنهاد داده شده يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلِّم: یادگرفته شده



گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

سال تحصیلی:

تألیف: نعمت اله مقصودی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

الْكَلِمَةُ	الترجمة	اسم الفاعل	اسم المفعول
يُعَلِّمُ : ياد می دهد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
يَعْلَمُ : می داند	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
اقترح : پیشنهاد کرد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
يُجَهِّزُ : آماده می کند	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ضرب : زد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
يَتَعَلَّمُ : یاد می گیرد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

۳- اسم مبالغه: «مبالغه» در لغت به معنای «افراط و زیاده روی» است. این اسم بیانگر «زیاد بودن یک صفت» و در فارسی دارای پیشوند «بسیار» است. این اسم در زبان عربی بر دو وزن به کار می رود:

۱- فَعَال: غفّار: بسیار آمرزنده علّام: بسیار دانا صَبّار: بسیار شکيبا

۲- فَعَالَة: علامة: بسیار دانا فَهّامة: بسیار فهمیده أثارَة: بسیار فرمان دهنده

نکته مهم

گاهی وزن «فَعَال» و «فَعَالَة» بر شغل دلالت می کند؛ مانند خَبَّاز (نانوا)؛ حَدَاد (آهنگر)
گاهی نیز بر ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می کند؛ مانند
فَتَاخَة (در بازکن)؛ نَظَّارَة (عینک)؛ سَيَّارَة (خودرو)
کلمات بالا در دو حالت (دلالت بر شغل و ابزار، وسیله یا دستگاه) اسم مبالغه به
شمار نمی رود.

www.my-dars.ir

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ.

.....	﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾:	﴿أَمَارَةٌ بِالسَّوِّءِ﴾:
.....	﴿مَا أَنَا بِظَلَامٍ﴾:	﴿الْخُلَاقُ الْعَلِيمُ﴾:
.....	﴿هُوَ كَذَابٌ﴾:	﴿حَمَالَةَ الْحَطْبِ﴾:
.....	يا عَفَّارَ الذُّنُوبِ:	﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾:
.....	الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ:	يا سَتَّارَ الْغُيُوبِ:
.....	الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ:	مَيْتَمُ التَّمَارِ:
.....	فَتَّاحَةُ الرُّجَاةِ:	رَسَامُ الصُّوَرِ:

تمرین ۱: کلمات جدول زیر را ترجمه کنید.

.....	حَارِس	مَرْفُوع	دَافِع
.....	مُقَلَّد	مُصَدِّق	مَجْمُوع
.....	عَفَّار	مُعْتَمَد	مُسَافِر
.....	صَيَّاد	حَمَال	رَسَام

تمرین ۲: احادیث زیر را ترجمه و سپس اسم فاعل و مفعول را مشخص کنید.

عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

كَانَتْ الْعِلْمُ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی تألیف: نعمت اله مقصودی سال تحصیلی: ۱۳۹۶

الدرس الثالث: عجائب المخلوقات: شگفتی‌های موجودات

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
تَفَكَّرُوا	فعل امر - ثلاثی مزید باب تَفَعَّل	بیاندیشید
الطَّنَان	اسم مبالغه	بسیار پرسر و صدا (مرغ مگس)
يُثِيرَانِ	فعل مضارع - ثلاثی مزید باب اِفعال	برمی‌انگیزند
تنظيف	اسم - مصدر باب تفعیل	پاک‌سازی

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir


 اِعْلَمُوا
 

أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

اسلوب شرط و کلماتش

اسلوب شرط: به جمله‌ای گفته می‌شود که به وسیله آن، انجام یا تحقق کاری را وابسته (مشروط) به کاری دیگر می‌دانیم. برای چنین هدفی از کلماتی (اسم-حرف) به نام ادوات (کلمات) شرط کمک می‌گیریم. ادوات شرط عبارتند از:

ادوات شرط	ترجمه
حرف شرط «إِنْ»	اگر
اسم شرط «مَنْ»	هر که
اسم شرط «مَا»	هر چه

ادوات شرط در جملات، بر روی دو فعل تأثیر می‌گذارند؛ به فعل اول که شرط تحقق فعلی دیگر است، فعل شرط و به فعل دوم که جواب و نتیجه انجام فعل قبلی است، جواب شرط می‌گویند. این ادوات در معنا و گاهی هم در لفظ فعل و جواب شرط تأثیر می‌گذارند. این تأثیرات به این شکل ملاحظه می‌گردد:

أ) معنا: فعل شرط (ماضی ساده یا مضارع اخباری) به مضارع التزامی و جواب شرط (ماضی ساده یا مضارع اخباری) به مضارع اخباری ترجمه می‌شود. مثال:

إِنْ اجْتَهَدْتَ فِي أَعْمَالِكَ نَجَحْتَ فِيهَا
 إِنْ تَجْتَهِدَ فِي أَعْمَالِكَ تَنْجَحَ فِيهَا: ←
 اگر در کارهایت تلاش کنی در آنها موفق می‌شوی

ب) ساختار: در صورتی که هر کدام از این دو فعل، مضارع باشند به این ترتیب تغییر می‌یابند:

علامت ضمه (ـُ) به (ـِ) تبدیل و علامت «ن» در آخر فعل مضارع (به جز صیغه سوم شخص جمع) حذف می‌گردد.

– مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيراً يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ: هر که بسیار تلاش کند به هدفش می‌رسد.

- ما تزرعوا في الدنيا تحصدوا في الآخرة: هر چه در دنیا بکارید در آخرت برداشت می کنید.
- إنْ تَفَكَّرْ فِي أَعْمَالِكَ تَنْجَحْ فِيهَا: اگر در کارهایت بیاندیشی در آنها موفق می شوی.

نکته ۱: گاهی جواب شرط به شکل جمله اسمیه هم می آید. مثال:

مَنْ يَتَفَكَّرْ فِي عَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَهُوَ نَاجِحٌ: هر که در فرجام کارها بیاندیشد موفق می گردد.

نکته ۲: حرف «إذا» اگر برای بیان انجام مشروط کاری در زمانی خاص مورد استفاده قرار بگیرد، یکی از ادوات شرط و به معنای (هرگاه) است. مثال: إِذَا فَكَّرْتَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّتْ أخطاءُكَ: هرگاه قبل از سخن گفتن بیاندیشی اشتباهات کم می شود.

ولی اگر به منظور بیان انجام مشروط یک مورد استفاده قرار نگیرد، فقط یک قید زمان و به معنای (زمانی، هنگامی که) است. مثال:

إِذَا رَجَعْتُ إِلَى الْبَيْتِ كُنْتُ قَدْ أَذَيْتَ وَاجِبَاتِكَ الْمَدْرَسِيَّةَ: هنگامی که به خانه برگشتم تکالیف مدرسه‌ات را انجام داده بودی.

خلاصه درس

۱. ادوات شرط کلماتی هستند که برای بیان انجام یا تحقق مشروط کاری استفاده می شوند.
 ۲. ادوات شرط شامل حرف شرط «إن» و دو اسم شرط «مَنْ» و «مَا» می شود.
 ۳. ادوات شرط قبل از دو فعل (مضارع - ماضی) قرار می گیرند؛ به فعل اول «فعل شرط» و به دومی «جواب شرط» می گویند.
 ۴. ادوات شرط غالباً موجب تغییر در فعل مضارع (به جز سوم شخص جمع مونث) می شوند. به این شکل که: علامت ضمه (ـُ) به (ـِ) تبدیل و علامت «ن» در آخر فعل مضارع (به جز صیغه سوم شخص جمع) حذف می گردد.
 ۵. فعل شرط (چه مضارع باشد و چه ماضی)، غالباً به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به شکل مضارع اخباری ترجمه می گردد.
 ۶. حرف «إذا» به دو شکل دیده می شود: ۱- قید زمان (هنگامی که) ۲- ادوات شرط (هرگاه)
- اختبر نفسك: مَيزَ فَعْلَ الشَّرْطِ وَجَوَابَهُ فِي الْعِبْرَةِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرْجِمَهَا.

۱- مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْامْتِحَانِ.

سال تحصیلی: ۱۳۹۶

تألیف: نعمت اله مقصودی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

۲- إن تُطالعوا كتاب «مُنية المرید» يُساعدكم في كتابة الإنشاء.

۳- إن تُقرأ إنشاءك أمام الطلاب فسوف يتنبّه زميلك المُشاغب.

۴- ما تُزرعا في هذه الدنيا تُحصدا في الآخرة.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

الدرس الرابع: تأثير اللغة العربية على اللغة الفارسية: تأثير زبان عربی بر زبان فارسی

شرح المفردات:

كلمه	نوع كلمه	ترجمه
نُقِلَ	فعل ماضى مجهول - ثلاثى مجرد	منتقل شد.
البضائع	اسم - جمع مكسر	كالاها (مفرد آن: البضاعة)
اشتدَّ	فعل ماضى - ثلاثى مزيد باب افتعال (اشتدد ← اشتدَّ)	شدت گرفت

اعلموا

المعرفة والنكرة

كلمه «معرفة» از فعل «عَرَفَ: شناخت» و كلمه «نكرة» از فعل «نَكَرَ: نشناخت» گرفته شده است. بنابراین، اسم معرفه يعنى «آشنا» و اسم نكرة نیز به معنای «ناآشنا» است. این دو لفظ در زبان عربی بر دو گروه مهم از اسمها إطلاق می شود و اهمیت یادگیری این موضوع در زمینه ترجمه این اسمهاست؛ زیرا اسمهای نكرة به هنگام ترجمه به صورتی متفاوت و به شکل ناشناخته ترجمه می شوند. درباره این موضوع در بخشهای بعدی این درس به طور مفصل صحبت خواهیم کرد. به علت اینکه انواع اسمهای معرفه کمتر و نسبت به نكرةها محدودتر است، در ابتدا به بررسی دو مورد از انواع اسمهای معرفه می پردازیم:

۱- معرفه به «ال» - ۲- اسم علم (اسم خاص)

۱. معرفه به «ال»:

مهمترین نشانه اسم معرفه، حرف تعریف «ال» است و هر اسم نكرةای به وسیله این حرف به معرفه تبدیل می شود. مثال:

مُعَلِّمٌ ← المَعَلِّمُ قَلَمًا ← القَلَمُ فِي كِتَابٍ ← فِي الْكِتَابِ

تنوینهای سه گانه (ـِ) هم نشانه اسم نكرة هستند. به همین سبب، در ترجمه اسمهای نكرة بدون «ال» توجه کنید که به شکل نكرة (ناشناس) ترجمه شوند. اسم نكرة در زبان فارسی به یکی از شیوههای زیر ترجمه

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی تألیف: نعمت اله مقصودی سال تحصیلی: ۱۳۹۶

می‌شود:

اسم مفرد: جاء معلّم إلى المدرسة	اسم جمع: رأيت طلاباً إلى الجامعة
۱. اسم + ی: معلمی به مدرسه آمد	۱. چند + اسم: چند دانشجو را در دانشگاه دیدم.
۲. یک + اسم: یک معلم به مدرسه آمد	۲. اسم + انی: دانشجویانی را در دانشگاه دیدم.
۳. یک + اسم + ی: یک معلمی به مدرسه آمد.	

نکته ۱: اگر اسمی در جمله به صورت نکره بیاید و همان اسم در ادامه با «ال» به کار رود، می‌توان در ترجمه «ال» از (آن و این) استفاده نمود؛ زیرا مخاطب در مرحله دوم نسبت به همان اسم نکره آشنایی پیدا کرده است. مثال:

رأيت كتاباً في المعرض فاشتريت الكتاب: کتابی را در نمایشگاه دیدم، پس آن کتاب را خریدم.

يدخل طالبٌ في المكتبة ثم بدأ الطالب بالمطالعة: دانش‌آموزی وارد کتابخانه شد، سپس این دانش‌آموز شروع به مطالعه نمود.

نکته ۲: سال گذشته با «خبر» آشنا شدید و آموختید که خبر غالباً با تنوین به کار می‌رود. در چنین مواقعی، خبر را به شکل نکره ترجمه نمی‌کنیم؛ زیرا این تنوین نشانه نقش خبر است و بیانگر نکره بودنش نیست. مثال:

العلمُ كنزٌ: علم گنج است فریقنا فائزٌ: تیم ما برنده است.

۲. اسم علم (خاص): یعنی نام مخصوص شخصی یا مکانی که به وسیله آن از سایر هم‌نوعان خود شناخته می‌شوند. مانند: علی، هاشم، مریم / ایران، شیراز، بوشهر...

البته دقت کنید که این اسم‌ها می‌توانند در جمله نقش‌هایی را بر عهده بگیرند و گاهی اوقات تنوینی متناسب با همان نقش بر روی آخرین حرفشان دیده می‌شود. توجه کنید که چنین تنوینی بیانگر «نکره بودن» این اسم‌ها نیست. مثال:

شارك علي في مراسم تكريم يوم الطالب: علی در مراسم بزرگداشت روز دانش‌آموز شرکت کرد.

www.my-dars.ir

خلاصه درس

۱- بر اساس معیار شناخت، اسم‌ها در زبان عربی به دو دسته معرفه (آشنا) و نکره (ناآشنا) تقسیم می‌شوند.

۲- اهمیت یادگیری این مبحث در زمینه ترجمه آشکار می‌گردد. در ترجمه اسم‌های نکره به یکی از شیوه‌های زیر عمل می‌کنیم:

اسم مفرد: جاء معلّم إلى المدرسة	اسم جمع: رأيتُ طلاباً إلى الجامعة
۱. اسم + ی: معلمی به مدرسه آمد	۱. چند + اسم: چند دانشجو را در دانشگاه دیدم.
۲. یک + اسم: یک معلم به مدرسه آمد	۲. اسم + انی: دانشجویانی را در دانشگاه دیدم.
۳. یک + اسم + ی: یک معلمی به مدرسه آمد.	

۳- دو نوع مهم از انواع اسم‌های معرفه عبارتند از: معرفه به «ال» - اسم علم (خاص)

۴- اسم علم (خاص): یعنی نام مخصوص شخصی یا مکانی که به وسیله آن از سایر هم‌نوعان خود شناخته می‌شوند.

۵- تنوین اسم‌های علم را نباید با تنوین نکره اشتباه گرفت. این تنوین نشانه نقش این کلمات در جمله هستند.

اختبر نفسك:

عين المعرفة والنكرة فيما أُشير إليها بخط، ثم ترجم العبارات حسب قواعد المعرفة والنكرة.

۱. إنَّ أحدَ مهاجمي فريق السعادة سجّل هدفاً.

۲. تعالَ نذهب إلى الملعب لمشاهدة مباراة بين الفريقين الإيرانيين.

۳. العنبُ البرازيلي شجرةٌ تختلف عن باقي أشجار العالم وتنبُثُ في البرازيل.

۴. ظواهر الطبيعة تُثبتُ حقيقةً وهي قدرة الله.

۵. يوجدُ نوعٌ من الشجرة الخانقة في جزيرة قشم التي تقع في محافظة هرمزجان.

عين الترجمة الصحيحة حسب قواعد المعرفة والنكرة

- ۱- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا. صدای عجیبی را شنیدم. صدای عجیب را شنیدم.
 ۲- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. به روستایی رسیدم. به روستا رسیدم.
 ۳- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي. نگاهی به گذشته. نگاه به گذشته
 ۴- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ. بندگانِ درستکار. بندگانِ درستکار
 ۵- السُّوَارُ الْعَتِيقُ. دستبندِ کهنه. دستبندِ کهنه
 ۶- التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ. تاریخی زرّین. تاریخ زرّین

تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

فعل مضارع (به جز فعل‌های دوم و سوم شخص جمع مونث) در میان سایر افعال زبان عربی دارای ویژگی تغییرپذیری در ساختار و معناست. یعنی کلماتی قادرند بر ساختار و معنای آن تأثیر بگذارند و آن را دچار تغییر کنند. در این درس با گروهی از این کلمات و عملکرد آنها آشنا می‌شویم.

حروف: أن (که) - لَنْ (هرگز نه...) - كَيْ، لَيْكِي، حَقِّي (تا، برای اینکه)

با توجه به اینکه آموزش تغییرات ساختاری فعل مضارع در چنین حالاتی از اهداف درسی این کتاب نیست، از پرداختن به آن چشم‌پوشی می‌کنیم. ولی در ادامه به تغییرات معنایی فعل مضارع به همراه این کلمات می‌پردازیم.

فعل مضارع به همراه (أَنْ، كَيْ، لَيْكِي، حَقِّي) به مضارع مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

- يُحَاوِلُ الْقَاضِي الْعَادِلُ أَنْ يَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدْلِ: قاضی عادل سعی می‌کند که بین مردم با عدالت داوری کند.

- إِنْ يَتَّحِدِ الْمُسْلِمُونَ فِالْأَعْدَاءِ لَنْ يَتِمَّ كُنُوزُهُمْ مِنَ الْغَلْبَةِ عَلَيْهِمْ: اگر مسلمانان متحد شوند، دشمنان هرگز آنها را شکست نخواهند داد.

- عَزَمَ الطَّلَابُ أَنْ يَحَاوِلُوا فِي دَرُوسِهِمْ أَكْثَرَ: دانشجویان تصمیم گرفتند که در درس‌هایشان بیشتر تلاش کنند.

- أَنْتُمْ تُسَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ كَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ: شما به نیازمندان کمک می‌کنید تا آنچه نیاز دارند را به‌دست بیاورند.

- نحنُ نقاومُ أمامَ المشاكلِ لكي نتغلبَ عليها: ما در برابر مشکلات مقاومت می‌کنیم تا بر آنها چیره شویم.
- اجتهدوا في أعمالكم لتفرحوا في الحياة: در کارهایتان تلاش کنید تا در زندگی شاد شوید.
- نکته مهم:** در زبان عربی برای منفی کردن فعل در زمان آینده از «لن + فعل مضارع» استفاده می‌شود. در این صورت، فعل مضارع را به شکل (هرگز + آینده منفی) ترجمه می‌کنیم.
- يُحصلُ: به دست می‌آورد ← لَنْ يَحْصَلَ: هرگز به دست نخواهد آورد
- تَنْجَحون: موفق می‌شوید ← لَنْ تَنْجَحُوا: هرگز موفق نخواهید شد

خلاصه درس

- ۱- از میان فعل‌ها در زبان عربی، فقط فعل مضارع (به جز ساختارهای دوم و سوم شخص جمع مونث) از عوامل قبل از خود تأثیر می‌پذیرد و دچار تغییر ساختاری و معنایی می‌گردد.
- ۲- حروف آن (که) - لَنْ (هرگز نه...) - كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى (تا، برای اینکه) معنای فعل مضارع اخباری را به مضارع التزامی تبدیل می‌کنند.
- ۳- حرف «لَنْ» معنای فعل مضارع اخباری را به (هرگز + آینده منفی) تبدیل می‌کند.
- اختبر نفسك: ترجم العبارات حسب ما تعلمت من القواعد.
۱. قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْامْتِحَانِ.
 ۲. نَحْنُ لَنْ نَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ فِي الْامْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمَحْدَدِ.
 ۳. وَاظِقِ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُوجَلَ لَهُمِ الْامْتِحَانَ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ.
 ۴. أَجْلَسَ الْأُسْتَاذُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي زَاوِيَةٍ لِيَفْرَقَهُمْ فِي قَاعَةِ الْامْتِحَانِ.

الدرس الخامس: الصدق: راستگویی

شرح المفردات:

ترجمه	نوع کلمه	کلمه
حکایت می شود	فعل مضارع مجهول - ثلاثی مجرد	يُحْكِي
درست گرداند	فعل مضارع - ثلاثی مزید باب افعال	يُصْلِحُ
رها شد (مترادف: نجا)	فعل ماضی باب تفعل	تَخَلَّصَ
تا نجات دهند	فعل مضارع - ثلاثی مزید باب افعال	لِيُنْقِذُوا

إِعْلَمُوا
الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

یکی از کارایی‌های جملات در زبان، توصیف و بیان ویژگی‌های اسم نکره‌ای قبل از آن است؛ به این صورت که اسم نکره‌ای (ناشناسی) در جمله قرار می‌گیرد که می‌تواند دارای ویژگی‌های مختلفی باشد و ما به وسیله جمله‌ای که پس از آن می‌آید، به توصیف آن اسم نکره می‌پردازیم. به چنین جملاتی در زبان عربی «الجملة الوصفية: جمله توصیف کننده» گفته می‌شود. بنابراین ضروری است که در ترجمه و قبل از چنین جملاتی از حرف ربط «که» استفاده کنیم. مثال:

رَأَيْتُ طَالِبًا يَطَالِعُ كِتَابَهُ ← دانش‌آموزی را دیدم که کتابش را مطالعه می‌کرد.

الكتابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنَ الْجَهْلِ ← کتاب دوستی است که تو را از نادانی نجات می‌دهد.

نکته ۱: نکته مهمی که باید در ترجمه جملات توصیف کننده در نظر گرفته شود، توجه به فعل این جملات است. زیرا ترجمه فعل این جملات با توجه به فعل جمله قبلی انجام می‌شود. به جدول زیر توجه کنید.

فعل جمله توصیف کننده	مثال
ماضی + مضارع ← مضارع استمراری	وَجَدْنَا بَرْنَامَجًا يَسَاعِدُنَا عَلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
	برنامه‌ای را یافتیم که به ما در یادگیری زبان عربی کمک

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی تألیف: نعمت اله مقصودی سال تحصیلی: ۱۳۹۶

می کرد	
مضارع + مضارع ← مضارع التزامی	نفتش عن معجم يُساعدنا في فهم النصوص دنبال فرهنگ لغتی می گردیم که به ما در فهم متون کمک کند
ماضی + ماضی ← ماضی بعید یا ساده	اشتریت کتاباً رأيتُه أمس: کتابی را خریدم که دیروز دیده بودم عصفت ريح شديدة حريت بيتاً جنب شاطئ البحر باد شدیدی وزید که خانه‌ای را در کنار ساحل دریا خراب کرد

نکته ۲:

نکات گفته شده مربوط به زمانی است که هم جمله توصیف کننده و هم جمله قبل از آن، فعلیه باشند. در غیر این صورت، جملات توصیف کننده را طبق سبک و سیاقشان ترجمه می کنیم:

القنعة كنز لا ينفد ← قناعت گنجی است که تمام نمی شود.

أطالع كتاباً موضوعاته علمية ← کتابی را مطالعه می کنم که موضوعاتش علمی است.

خلاصه درس

۱- به جملاتی که پس از اسمی نکره و برای توصیف آن به کار می روند، جمله توصیف کننده (الجملة الوصفية) گفته می شود.

۲- ضروری است که از حرف ربط «که» در ترجمه جملات توصیف کننده استفاده کنیم.

۳- اگر هر دو جمله توصیف کننده و جمله قبل از آن فعلیه باشند، فعل جمله دوم را با توجه به جمله نخست ترجمه می کنیم:

ماضی + مضارع ← مضارع استمراری مضارع + مضارع ← مضارع التزامی

ماضی + ماضی ← ماضی بعید یا ساده

اختر نفسك: ترجم العبارات حسب ما تعلمت من القواعد.

۱. سافرتُ إلى مدينةٍ قد سمعتُ عنها مِن قبلُ.

۲. أقوم بتأليف كتابٍ يُساعدُ تلاميذي على تعلّم اللغة العربية.

سال تحصیلی: ۱۳۹۶

تألیف: نعمت اله مقصودی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

۳. أعجبتني رجلٌ يساعِدُ الفقراءَ.
۴. جاء طالبٌ إلى الصّفِ ما عرفته في البداية.
۵. يغزّد الطيورُ فوقَ شجرةٍ أوراقها خضراءَ.

مای دررس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

الدرس السادس: ارحموا ثلاثة: به سه نفر رحم کنید

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
أَسَرَ	فعل ماضی - ثلاثی مجرد	اسیر کردند
يُضْرَبُ	فعل مضارع مجهول - ثلاثی مجرد	(مثال) زده می شود
يَفُكُّ	فعل مضارع - ثلاثی مجرد	آزاد می گرداند (مصدر آن: فَكٌّ)
يَحْمِي	فعل مضارع - ثلاثی مجرد	حمایت می کند (مصدر آن: حماية)
يُعِينُ	فعل مضارع - ثلاثی مزید	کمک می کند (مصدر آن: إعانة)

اعلموا

تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

در ادامه موضوع درس گذشته پیرامون عوامل مؤثر بر ترجمه فعل مضارع، به گروه دوم از کلماتی می‌رسیم که در ساختار و معنای فعل مضارع تغییراتی به وجود می‌آورند. این کلمات عبارتند از:

حروف: لَمْ - لَ (أمر) - لا (نهی)

۱- «لَمْ»

این حرف، معنای فعل مضارع را به ماضی ساده یا نقلی منفی تبدیل می‌کند و مانند «ما» نفی در معنای فعل مضارع تأثیر می‌گذارد ← ماضی منفی در زبان عربی: ما + فعل ماضی یا لم + فعل مضارع

مثال:

- تَكْتُبُ: می نویسی
- تَكْتُبُ: لم تَكْتُبُ: نوشتی / ننوشتی
- تَسْمَعُونَ: می شنوید
- تَسْمَعُونَ: لم تَسْمَعُوا: نشنیدید / نشنیده‌اید
- يُجَلِّسْنَ: می نشانند
- يُجَلِّسْنَ: لم يُجَلِّسْنَ: نشانند / نشانده‌اند

۲- «لِ» امر

این حرف به معنای «باید» است و فعل مضارع ساده را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند. البته توجه کنید که این کلمه فقط بر سر فعل‌های (اول شخص و سوم شخص) وارد می‌شود. مثال:

لِنَرْجِعْ: باید برگردیم	←	نَرْجِعْ: برمی‌گردیم
لِيُسَاعِدُوا: باید کمک کنند	←	يُسَاعِدُونَ: کمک می‌کنند
لِيَذْهَبِينَ: باید بروند	←	يَذْهَبِينَ: می‌روند

نکته ۱: البته به این موضوع هم توجه کنید که حرف «لِ» فعل مضارع را به مضارع التزامی مثبت تبدیل می‌کند و اگر حرف «لَا» نمی‌بر سر فعل‌های (اول شخص و سوم شخص) وارد شود، فعل مضارع را به مضارع التزامی منفی تبدیل می‌کند. مثال:

لَا يُشَارِكُوا: نباید شرکت کنند	←	يُشَارِكُونَ: شرکت می‌کنند
لَا تُسَافِرْ: نباید مسافرت کنیم	←	تُسَافِرْ: مسافرت می‌کنیم

نکته ۲: تاکنون با چند نوع از حرف «لِ» آشنا شدید که برخی قبل از اسم و برخی دیگر قبل از فعل قرار می‌گیرند. انواع «لِ» عبارت است از:

- ✓ «لِ» به معنای (مال، از آن): لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ: این چمدان (مال، از آن) چه کسی است؟
- ✓ «لِ» به معنای (برای): اشتریتُ هَذِهِ الْحَقِيبَةَ لِلسَّفَرِ: این چمدان را برای سفر خریدم.
- ✓ «لِ» به معنای (داشتن): لِي صَدِيقٌ حَمِيمٌ فِي الْمَدْرَسَةِ: من دوستی صمیمی در مدرسه دارم.
- ✓ «لِ» به معنای (باید): لِأَجْتَهِدْ فِي دَرُوسِي أَكْثَرَ: باید در درس‌هایمان تلاش بیشتری کنم.
- ✓ «لِ» به معنای (تا): هُوَ يَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ لِطُلَاعِ دَرُوسِهِ: او به کتابخانه می‌رود تا درس‌هایش را مطالعه کند.

نکته ۳: حرکت «لِ» با ضمائر به غیر از (ي) به فتحه و پس از حروف (و- ف) به ساکن تبدیل می‌شود:

با ضمائر: لَكُمْ، لَكُمْ، لِي...
با حروف (و- ف): وَلْتُسَاعِدْ: باید کمک کنیم / فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهند.

خلاصه درس

- ۱- حروف (لَمْ - لَمْ) - لَمْ (أمر) - لا (نهی) نیز بر ساختار و معنای فعل مضارع تأثیر می‌گذارند.
- ۲- حرف (لَمْ) فعل مضارع اخباری مثبت را به ماضی ساده یا نقلی منفی تبدیل می‌کند.
- ۳- حرف لَمْ (أمر) به معنای «باید» است و معنای فعل‌های (اول شخص و سوم شخص) را به مضارع التزامی مثبت می‌کند.
- ۴- حرف «لا» نهی، معنای فعل‌های (اول شخص و سوم شخص) را به مضارع التزامی منفی می‌کند.

اختبر نفسك:

ترجم العبارات حسب ما تعلمت من القواعد.

- لنستمع إلى محاضرة الأستاذ.
- هم لم يتوقعوا هذه المساعدة من جانبكم.
- لمن هذه الجوال؟
- لا تظلم كما لا تُظلم.

انتخب الجواب الصحيح.

- ۱- عَلَيْكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ..... فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَتَيَّسَّ كِي تَتَيَّسَّ لَا تَتَيَّسَّ
- ۲- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرَ لِكِي أُسَافِرَ
- ۳- أُرِيدُ إِلَى سَوَاقِ الْحَقَائِبِ. أَنْ أُذْهَبَ لَمْ أُذْهَبَ إِنْ أُذْهَبَ
- ۴- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا. لَنْ يَرْجِعَ مَا رَجَعَ لَمْ يَرْجِعَ
- ۵- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ لَا يَجْتَهِدُ يَجْتَهِدُ

الدرس السابع: لا تقنطوا: ناامید نشوید

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
هزيمة	اسم - مصدر ثلاثی مجرد (هزم، يهزم)	شکست
المعوق	اسم مفعول ثلاثی مزید	معلول، جانباز
صيرت	فعل ماضی - ثلاثی مزید باب تفعیل	تبدیل کرد



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

افعال ناقصه تقریباً معادل فعل‌های ربطی (بود، شد، گشت، گردید، نیست) در زبان فارسی‌اند و به همین علت به ناقصه معروفند؛ زیرا معنایشان با وجود اسمی پس از آن ذکر می‌شود ناقص است و فقط با وجود اسم دومی که بعد از آن می‌آید کامل می‌گردد. این افعال عبارتند از:

كان (بود) - صار - أصبح (شد - گشت - گردید) - ليس (نیست)

۱- مهم‌ترین معانی (كان):

«بود» ← كانَ الهواءُ بارداً: هوا سرد بود / كانَ بابُ الغرفةِ مُغلَقاً: در اتاق بسته بود

«است» ← إِنَّ اللهَ كانَ غفوراً رحيمًا: بی‌گمان خداوند آمرزنده و مهربان است

«داشت»؛ در صورتی که قبل از حرف (لِ - عند) بیاید:

كان لي (عندي) كتب قيِّمة: کتاب‌های ارزشمندی داشتم.

«فعل کمکی ماضی استمراری»؛ در صورتی که قبل از فعل مضارع بیاید:

كان الطالبُ يتكلمُ مع أستاذه: دانشجو با استادش صحبت می‌کرد.

«فعل کمکی ماضی بعید»؛ در صورتی که قبل از فعل ماضی ساده یا ماضی نقلی بیاید:

كان الطالبُ (تکلم / قد تکلم) مع أستاذه: دانشجو با استادش صحبت کرده بود.

۲- (صار - أصبح)؛ مضارع صارَ «يصيرُ» و مضارع أصبحَ «يُصبحُ» است. این دو فعل به معنای «شد، گشت و گردید» است.

نَزَلَ المطرُ صباحاً و صارَ الجوُّ لطيفاً: صبحگاهان باران بارید و هوا لطیف شد.

جاء الخريفُ فصارتِ الأرضُ مفروشةً بأوراقِ الأشجار: پاییز آمد و زمین پوشیده از برگ درختان گشت.

۳- (ليسَ)؛ نیست:

ليسَ الطلابُ في الصف: دانش‌آموزان در کلاس نیستند.

إنَّ اللّغةَ الفارسيّةَ ليستَ منفصلةً عن اللّغةِ العربيّةِ: زبان فارسی از زبان عربی جدا نیست.

خلاصه درس

۱- افعال ناقصه در زبان عربی معادل افعال ربطی در زبان فارسی هستند.

۲- مهم‌ترین افعال ناقصه عبارتند از: كان (بود) - صار - أصبح (شد - گشت - گردید) - ليسَ (نیست)

۳- فعل «كان» قبل از (لِر - عند) معادل فعل «داشتن» در زبان فارسی است.

۴- فعل «كان» + «مضارع» معادل ماضی استمراری در زبان فارسی است.

۵- فعل «كان» + «ماضی ساده یا نقلی» معادل ماضی بعید فارسی است.

اختیر نفسک:

ترجم عبارات حسب ما تعلّمت من القواعد.

۱. ليس تأثير اللغة العربية على اللغة الفارسية قبل الإسلام أكثر من تأثيرها بعد الإسلام.

۲. كان لابن المقفع دورٌ كبيرٌ في تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية.

۳. أصبح نفوذ اللغة الفارسية في اللغة العربية كثيراً بسبب مشاركة الإيرانيين في قيام الدولة الإسلامية.